

اعلامیه حزب حکمتیست

”بزرگ ترین فاجعه معدن در ایران“
مسبب این قتل عام کارفرمایان معادن و رژیم اسلامی اند!

صفحه ۲

اوضاع سیاسی در پرتو شرایط پر تنش کنونی و وظایف ما

سخنان رحمان حسین زاده در سمینار کلاب هاوس شورای

همکاری نیروهای چپ و کمونیست

صفحه ۴

اعلامیه حزب حکمتیست - ۲

کارگران سمنان راه را نشان داده اند!
اعتصاب تا تحقق استانداردهای ایمنی کار
و افزایش دستمزدها

صفحه ۶

ضرورت اعمال نظارت کارگران بر ایمنی محیط کار

صفحه ۷

سیاوش دانشور

میزگرد کمونیست در باره

فاجعه انفجار معدن زغال سنگ طبس
سیاوش دانشور، عبدالله دارابی، سعید آرمان

صفحه ۹

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست:

به جنگ نژادپرستانه علیه افغانستانی های

مقیم ایران پایان دهید!

صفحه ۱۱

نامه به اتحادیه های کارگری در خارج کشور

علیه ناامنی محیط کار از کارگران ایران حمایت کنید!
کارگران معدن به همبستگی ما نیاز دارند!

صفحه ۱۲

در صفحات دیگر

- اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

- نامه شریفه محمدی زندانی سیاسی در باره کارگران معدن طبس

۷۷۰
هفتاد و هفت
گمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

۶ مهر ۱۴۰۳ - ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۴

گسترش جنگ دولت اسرائیل
با حزب اله، خطر گسترش
جنگ در منطقه

جنگ بین اسرائیل و حزب اله لبنان در حال گسترش است. بعد از حمله سایبری به پیچرها و وسایل ارتباطی حزب اله، دولت اسرائیل با بیش از صد حمله هوایی به جنوب و قسمتی از شمال لبنان جنگ را با حزب اله گسترش داده و تاکنون در نتیجه این بمبارانهای وحشیانه بیش از ۴۵۰ نفر کشته و هزاران نفر زخمی و نزدیک به یک میلیون نفر به سوریه و سایر مناطق لبنان گریخته اند.

دولت اشغالگر اسرائیل با این حجم از حملات سایبری و هوایی، حمله زمینی به خاک لبنان را تدارک دیده و هم اکنون در صدد این حمله اند. دولت نژاد پرست و اشغالگر اسرائیل به بهانه نابودی حماس بیش از ۴۰ هزار نفر از مردم غزه را قتل عام و دو میلیون نفر را آواره کرد و اکنون به بهانه دور کردن حزب اله از مرز با اسرائیل و برگرداندن بیش از ۶۰ هزار نفر از ساکنان شمال اسرائیل که در نتیجه حملات حزب اله از آغاز جنگ در غزه تا کنون آواره شده اند، به قتل عام مردم لبنان دست زده است. حزب اله لبنان در نتیجه این حملات خسارات زیادی متحمل شد با این حال در تلافی حملات اسرائیل، به موشک باران مناطق مختلف اسرائیل ادامه می دهد.

دولت اسرائیل در نتیجه ناکامی از اهدافش در جنگ غزه و حاشیه ای کردن

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اعلامیه حزب حکمتیست

”بزرگ ترین فاجعه معدن در ایران“ مسبب این قتل عام کارفرمایان معادن و رژیم اسلامی اند!



با تاسف فراوان در آستانه اول مهر ۱۴۰۳، بدنبال انفجار در یکی از معادن زغال سنگ، معدن معدنجوی طیس در خراسان، تا ساعت ۴ بعدازظهر اول مهر، ۵۲ نفر از معدنچیان جانباختند و بیش از ۲۰ نفر مصدوم شدند. طبق گزارشهای منتشر شده حداقل هفت نفر از مصدومان در آی سی یو و مابقی در بخشهای دیگر بستری اند. هنوز امدادگران نتوانستند پیکر بخشی از کارگران جانباخته را بدلیل حجم زیاد گاز متان از عمق ۷۰۰ متری معدن خارج کنند. میگویند حجم بالای گاز متان در معدن موجب انفجار شده است اما نمی گویند چرا به کرات این اتفاق در معادن رخ میدهد و کارفرمایان سودجو و شرکت معادن که دهها معدن و مناطق عملیاتی را تحت کنترل دارد برای تامین استانداردهای ایمنی کار و ایجاد خروجی گاز کاری صورت نمیدهند!

محل های ناامن کار به قتلگاه کارگران تبدیل شده و در این میان معادن یکی از مراکزی است که بدلیل فقدان ایمنی محیط کار و سودپرستی سرمایه داران، مرتباً از کارگران قربانی می گیرد. معادن زغال سنگ از طیس و کیاسر و کلاریز تا یورت و هجدک و چشم پودنه، یادآور فجایع و جانباختن کارگران در اعماق است. آمار رسمی که شامل بسیاری از معادن کوچک نمی شود، از ”بیش از ۳۰۰۰ حادثه در معادن کشور، آسیب دیدگی حدود ۱۳۰۰۰ نفر و کشته شدن بیش از ۴۳۰ معدنچی“ طی یکدهه اشاره دارد. آنچه که زیر تیتر ”حوادث کار“ ثبت می شود، نتیجه امتناع کارفرمایان از تامین سیستم ایمنی محیط کار بدلیل سودجویی و فرستادن آگاهانه کارگران به محیط ناامن کار و بازی با جان کارگران است.

کارگران معدن زغال سنگ برسر امینی محیط کار، علیه واگذاری صندوقهای بازنشستگی و برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل مبارزات متعددی داشتند. هر بار و بعد از هر فاجعه انسانی، مدیران و کارفرمایان وعده ای میدهند تا خشم کارگران و خانواده های کارگری را کنترل کنند. حال بدنبال این فاجعه بزرگ از در دست بودن لایحه ارتقای امنیت شغلی و طبقه بندی خبر میدهند. اعلام عزای عمومی توسط نهادهای حکومتی جواب ناامنی محیط کار و قراردادهای ناپایمن و دستمزد پایین را نمیدهد. اعتراض و اعتصاب و حمایت از کارگران معدن در سراسر کشور راه مقابله با فجایع بعدی است. کارفرمایان زالو و استثمارگر در ایران این ”افتخار“ را دارند که بزرگترین جنایت در معادن را صورت داده اند و کمترین مسئولیتی قبول نمیکند!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ضمن ابراز تاسف عمیق بخاطر جانباختن کارگران معدنچی، به خانواده و بستگان این عزیزان و کارگران معادن زغال سنگ و طبقه کارگر ایران صمیمانه تسلیت میگوید و برای مصدومین این فاجعه بزرگ آرزوی بهبودی سریع دارد. از نظر ما، کارفرمایان و جمهوری اسلامی مسبب و مسئول مستقیم قتل عام کارگرانند و باید پاسخ بدهند. تامین ایمنی محیط کار وظیفه کارفرماست و باید توسط کمیسیون های منتخب اعمال نظارت کارگران در محلهای کار تأیید شود. کارفرمایان باید وادار به تامین سیستم استاندار ایمنی محیط کار و پذیرش نظارت نمایندگان کارگران شوند.

مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۱ مهر ۱۴۰۳ - ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۴

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

مرگ بر جمهوری اسلامی!



جریانات اسلامی و تروریستی داشته باشند. در این میان هم دولت‌ها و هم جریانات تروریستی از این وضع سود می‌برند و مردم بی‌دفاع هزینه می‌دهند.

اگر جلو این جنگ گرفته نشود، مردم لبنان نیز سرنوشتی همچون مردم غزه خواهند یافت.

پایان جنگ و کوتاه کردن دست اسرائیل از جنایات علیه مردم فلسطین تنها راه صلح و حاشیه‌ای کردن جریاناتی همچون حزب اله و حماس از سر مردم است. دو نسل از مردم فلسطین چشم باز کرده‌اند فقط با جنایت و قتل و عام و آوارگی روبرو بوده و هنوز هم این وضع ادامه دارد. بشریت آزادیخواه برای پایان جنگ و صلح دائم و روشن کردن وضعیت مردم فلسطین و پایان آوارگی این مردم ستم‌دیده باید تلاش کنند و دولت‌ها را تحت فشار قرارداد. پایان بحران در خاومیان، به پایان جنگ و حل مسئله فلسطین گره خورده است. بدون حل مسئله فلسطین، مردم اسرائیل نیز روی آرامش به خود نخواهند دید. پائین کشیدن دولت دست راستی و مخالف آتش بس و صلح توسط مردم اسرائیل قدم موثر در این راه خواهد بود.

سردبیر

۲۶ سپتامبر ۲۰۲۴



برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی در اینترنت دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

گسترش جنگ دولت اسرائیل با حزب اله، خطر گسترش جنگ در منطقه

آتش بس و مذاکره برای پایان جنگ، به گسترش جنگ با حزب اله لبنان روی آورده است. علاوه بر این با توجه به انتخابات پیش رو در آمریکا و احتمال تغییر روش دولت آمریکا در قبال جنگ در غزه، دولت اسرائیل فرصت را غنیمت شمرده و برای پیشبرد اهداف جنایتکارانه اش جنگی تمام عیار را با حزب اله لبنان آغاز کرده است. یک ذره نباید توهم داشت که جنگ اسرائیل در غزه و اکنون گسترش جنگ با حزب اله در لبنان، که خطر گسترش جنگ در منطقه را به دنبال خواهد داشت، چه امروز و چه بعد از انتخابات در آمریکا، دولت اسرائیل بدون حمایت مالی و تسلیحاتی دولت آمریکا قادر به ادامه جنگی در این ابعاد نبوده و نخواهد بود. علاوه بر این دولت اسرائیل اکنون دریافته است که جمهوری اسلامی قصد وارد شدن به جنگ با اسرائیل را ندارد و صحبت‌های پزشکیان در مجمع عمومی سازمان ملل هم خیال اسرائیل را راحت کرد و هم جوابی بود به تقاضای حزب اله، که خواهان کمک از جمهوری اسلامی در این جنگ شدند.

همزمان با حملات هوایی به لبنان و توجه افکار عمومی به این جنگ، بمباران دولت اسرائیل در غزه نیز ادامه دارد. در یک حمله هوایی به خانه‌ای در اردوگاه پناهندگان بریج در مرکز غزه، یک زن باردار و چهار فرزند دیگرش جان خود را از دست داده‌اند.

دولت آمریکا و شرکای اروپائیش با اینکه مرتب از جنایت جنگی دولت اسرائیل، رعایت نکردن قانون جنگ و کشتن مردم بی‌دفاع گله دارند و به مداخله و مذاکره برای پایان جنگ تلاش می‌کنند، اما هیچوقت نه پشت دولت اسرائیل را خالی کرده‌اند و نه برخوردی قاطع برای پایان جنگ و کشتار مردم بی‌دفاع با دولت اسرائیل داشته‌اند. به این دلیل دولت اسرائیل گستاخانه به خودش اجازه می‌دهد که با وجود اعتراض میلیون‌ها جامعه جهانی به نسل‌کشی مردم فلسطین در غزه، به این جنگ و کشتار ادامه دهد و تنها به این اکتفا نمی‌کند و برای پیشبرد اهدافش به بهانه دور کردن حزب اله از مرز شمال اسرائیل، قتل عام مردم لبنان را نیز آغاز کرده است. در شرایطی که مجمع سالانه سازمان ملل آغاز شده و همه صحبت از "صلح و پایان جنگ" میکنند، اسرائیل جنگ را گسترش می‌دهد و در تدارک حمله زمینی به خاک لبنان است و قطعنامه پیشنهادی ۱۰ کشور برای آتش بس ۲۱ روزه و مذاکره برای پایان جنگ را بی‌جواب گذاشته است. دولت اسرائیل با آتش بس مخالفت کرده و گفته‌اند به جنگ ادامه می‌دهند و اعلام کرده‌اند که فقط امروز ۲۶ سپتامبر ۱۰۷ حمله هوایی به جنوب و قسمتی از شمال لبنان انجام داده‌اند.

جریانات اسلامی از مسئله فلسطین ارتزاق میکنند و در دست دولت اسرائیل بازی میکنند. اشغالگری و جنایت دولت نژادپرست اسرائیل طی بیش از هفتاد سال علیه مردم فلسطین به جریانات مرجع اسلامی زمینه می‌دهد و هر دو مسئله فلسطین را به محاق می‌برند. حزب الله لبنان که محصول مستقیم جمهوری اسلامی و ابزار دست آنست. حمایت دولت جنایتکار جمهوری اسلامی از جریانات تروریست اسلامی در منطقه به سهم خود در خدمت تروریسم دولتی اسرائیل و آمریکا و پروژه‌های آنهاست. بیشتر مردم فلسطین علیه جنگ و کشتار و آوارگی و علیه دولت اسرائیل هستند، بدون اینکه دل خوشی از این

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



و شرایط جنگی در منطقه است. جنگ در غزه و لبنان و تاثیرات تاکنون منفی آن و به ویژه تمایل دولت دست راستی نتانیاهو به گسترش این جنگ در منطقه و از جمله با جمهوری اسلامی در صورت وقوع اولا مصائب بسیار فراوانی برای مردم در ایران خواهد داشت و ثانیاً مانع بزرگی در مقابل برآمد انقلابی و اعتراضی بعدی خواهد بود.

وظایف ما در این دوره:

علیرغم موانع و مشکلات متعدد، جامعه سرزنده و تبش اعتراضی و مبارزاتی جدی است. اعتصابات کارگری و اعتراضات اجتماعی بخشهای مختلف و مورد اخیر اعتراضات درخشان پرستاران شاهد این وضعیت است. احتمال برآمد اعتراضی و اجتماعی گسترده بالا است. براین اساس لازمست وظایف این دوره را تاکید کرد. منظور من از وظایف ما در مبحث امشب، صرفاً وظایف حزبی و سازمانی و از جمله صرفاً وظایف حزب حکمتیست نیست. منظورم در سطح گسترده تر وظایف پیشروان و رهبران جنبش سوسیالیستی کارگری و فعالین و پیشروان سوسیالیست جنبشهای اعتراضی رادیکال و جنبش اعتراض توده ای اعم از متشکل و متحزب و یا غیر متحزب در داخل و خارج کشور است.

اینکه برآمد اعتراضی این بار از کجا و چگونه زبانه میکشد را نمیتوان پیش بینی کرد. اما انفجار مبارزاتی در مقابل تعرض معیشتی مداوم، در مقابل تشدید سرکوب و زندان و اعدام و علیه حجاب بازم عرصه های مهم شروع مبارزات جدی میتوانند باشند.

توقع ما اینست خیزش انقلابی این بار گامها از خیزش شهریور ۱۴۰۱ جلوتر باشد. چنین وضعیتی خودبخودی به دست نمی آید، اولین وظیفه رهبران و فعالین سوسیالیست در جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی رادیکال و ما جریانات کمونیست و چپ اینست از قبل و اکنون و در ادامه برای رفع محدودیتهایی که خیزش انقلابی دوسال قبل داشت چاره جویی کنیم.

سئوال اینست آن محدودیتهای خیزش قبلی در سطح ماکرو کدامها بودند؟ به نظرم خیزش دوسال قبل به اندازه کافی وسعت توده ای نداشت. برای مثال در شهر تهران ۱۲ میلیونی ما به مرز تظاهرات صدها هزار نفره و نیم میلیونی و بالاتر نرسیدیم. همینطور در شهرهای بزرگ چند میلیونی دیگر همین وضعیت بود. اتحاد و همبستگی و همگامی مبارزاتی وسیعتر و توده ای تر لازم بود که اتفاق نیفتاد. این محدودیت و کمبود جدی بود.

یک محدودیت مهم دیگر این مسئله بود که اعتصابات کارگری گسترده و همگام با اعتراضات خیابانی و یا همراه با اعتراضات اجتماعی دیگر اتفاق نیفتاد. رابطه جدی مبارزاتی بین فعالین و پیشروان کارگری و توده ای شکل نگرفت. آنوقت و این بار ایجاد همگامی اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای حلقه مهم جهش خیزش انقلابی است که میتوان و باید برای ممکن کردن آن گام برداریم.

صفحه ۵

اوضاع سیاسی در پرتو شرایط پر تنش کنونی و وظایف ما

سخنان رحمان حسین زاده در سمینار کلاب هاوس شورای

همکاری نیروهای چپ و کمونیست

این سمینار را مصادف با دومین سالگرد خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ برگزار میکنیم. اجازه بدهید یاد مهسا امینی، ژینای عزیز، سمبل آن خیزش انقلابی و یاد همه جانبختگان آزاده و جسور و پرشور آن خیزش سراسری را گرامی بداریم. مبحث ما همانطور که از عنوانش معلوم است، دو محور اصلی دارد. اول ارزیابی فشرده از اوضاع سیاسی کنونی و بخش دوم وظایف ما، که من بیشتر فوکوسم را روی این بخش دوم میگذارم.

اوضاع سیاسی را از زوایای مختلف میتوان بررسی کرد. الان نه لازم است و نه فرصت هست به همه ابعاد اوضاع سیاسی بپردازیم. در این رابطه بر چند مشخصه مهم این دوره تاکید میگذارم.

مهمترین مشخصه اوضاع سیاسی به نظرم ادامه فضای اعتراضی و انقلابی جامعه است. جنبش کارگری با اعتصابات و جنبشهای اعتراضی رادیکال با تجمع ها و تحرک اعتراضی در بخشهای مختلف ابراز وجود میکنند. خواسته های فوری معیشتی و اجتماعی بخشهای متنوع تحت ستم و فشار از جاب حاکمیت پاسخ نگرفته و نمیگیرد. در نتیجه احتمال برآمد توده ای و اعتراضی بالا است و این یک خصلت مهم این دوره است.

جابجایی دولت مشخصه سیاسی دیگر این دوره است. دولت یکدست شده رئیسی بن بستها و معضلات متنوع جمهوری اسلامی را در سطح داخلی و بین المللی تشدید کرده بود. خامنه ای و سپاه پاسداران به زعمشان برای عبور از آن وضعیت با ترور رئیسی عمر سه ساله دولتش را به پایان رساندند و در ادامه در طرحی معماری شده پزشکیان و کابینه دست چین شده او را برمسند ریاست جمهوری نشانند. گماردن پزشکیان به رئیس جمهوری بخشاً برای آشتی دادن اصلاح طلبان و اعتدالیون حکومتی بود و تا حدود زیادی به این هدف هم رسیدند. از این طریق امثال خاتمی و روحانی و اعوان و انصارشان در "پوزیسیون و اپوزیسیون پرورژیم" را دوباره به زیر خیمه رهبر کشاندند. بیهوده فکر میکنند دوران گذشته است برای عمر خریدن جمهوری اسلامی باردیگر به عنوان سوپاپ اطمینان از این مهره های سوخته و رسوا استفاده میکنند. از جنبه دیگر میخواهند رو به داخل و خارج بگویند چهره "معتدلی" را آورند. اما به نظرم دولت پزشکیان نماد بن بست جمهوری اسلامی و ناکارتر از دولتهای قبلی نمیتواند پاسخگوی معضلات عمیق و ریشه دار جمهوری اسلامی باشد. از لابلای گفته ها و سخنان نامنسجم پزشکیان میتوان دید که ادامه تعرض معیشتی و شوک اقتصادی، تشدید سرکوب و گسترش اعدام و هماهنگ کردن باندهای مختلف رژیم تحت نام "وفاق ملی" حول اهداف و سیاستهای خامنه ای اولویت پزشکیان ذوب شده در رهبری است.

یک مشخصه نگران کننده در قبال جامعه و به ویژه به عنوان مانع بزرگ در مقابل گسترش جنبش اعتراضی و انقلابی وجود فضای جنگی

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزیند!

اوضاع سیاسی در پرتو شرایط پر تنش کنونی و وظایف ما...

با کدام مکانیسم و یا ابزار و روشها میتوان بر محدودیتهای دوره قبل فایق آمد؟

در شرایط استبداد خشن و سرکوبگری شدید که جنبش اعتراضی ما به آسانی نمیتواند به همه ابزارهای موثر و شناخته شده خود برای پیشروی متکی باشد، در شرایط مشخص امروز چه مکانیسم و شعارها و روشها و تاکتیکهایی میتواند موانع مهم مورد اشاره را از سر راه بردارد و خیزش انقلابی را در موقعیت قدرتمند تعیین تکلیف اساسی با حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی قرار دهد. در شرایطی که فاقد تشکل کارگری و توده ای سراسری هستیم. در شرایطی که حتی پیشروان سوسیالیست متکی به تشکل حزبی و یا توده ای خود نمیتوانند ابزار وجود کنند. در چنین تناسب قوایی به باور من قوام گرفتن و ابراز وجود شبکه مبارزاتی رهبران و پیشروان کارگری و توده ای فراگیر منطقه ای و یا سراسری کلید مسئله است. شبکه متحد شده رهبران و پیشروانی که همگامی اعتصابات کارگری و اعتراضات اجتماعی و توده ای در سطح هر استان و منطقه و در ابعاد سراسری را تامین کند. برای ایجاد چنین اتحاد و همبستگی شعار و خواسته فراگیر و توده ای مشترک، تاکتیک مشترک و فراخوانهای مشترک بین بخشهای مختلف جنبش کارگری و جنبش اعتراض توده ای شهری را تامین کند. به نظر من شبکه رهبران و پیشروان متحد و همگام با پرچم و شعار تامین معیشت و حقوق اولیه زندگی، خواست آزادی زندانیان سیاسی و لغو اعدام و لغو حجاب و پایان دادن به آپارتاید جنسی، میتواند بیشترین اتحاد را بین جنبش اعتصابات کارگری و جنبش های اعتراضی رادیکال به وجود آورد. با تشخیص درست تناسب قوا تاکتیک مشترک مبارزاتی در دستور بگذارد. فراخوانهای مشترک را اعلام کند. به همگامی و همزمانی اعتصابات کارگری و اعتراضات محله و شهر کمک موثر بکند. در بطن مبارزه مشوق سازمانیابی کارگری و توده ای موثر باشد. من به عنوان فعال جنبش مجامع عمومی و شورایی فکر میکنم در همین شرایط تلاش برای ایجاد مجامع عمومی در مراکز کار و محلات ودانشگاه و ... تلاش برای گسترش جنبش مجامع عمومی و از این طریق ایجاد شوراها هر جا که ممکن شد، قاعدتاً باید مورد توجه شبکه رهبران کارگری و فعالین سوسیالیست باشد.

نقش نیروهای چپ و کمونیست متشکل و متحزب!

در چهارچوب نگاهی که به اوضاع دارم. نیروهای چپ و کمونیست متحزب و متشکل که رهبری و بخش علنی تشکیلات ماها در خارج کشور مستقر است، به نظرم وظایف مهمی بردوش داریم. اولاً علیرغم هر ارزیابی از موقعیت نیروهای چپ و کمونیست، و میزان توان سیاسی و پراتیکی آنها و سابقه و پیشینه آنها داشته باشیم، جریانات چپ و کمونیست که امشب ما چهار جریان از این طیف در این پانل شرکت داریم، هرکدام به سهم خود با داخل مرتبطیم و تاثیر گذاشته و تاثیر گرفتیم. در نتیجه اولین وظیفه اینست که خواسته ها و شعارهای رادیکال در جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی را نمایندگی کنیم و با اتکا به امکاناتمان در صفوف خیزش انقلابی اشاعه دهیم. به علاوه فعالین و سمپاتیهای حزبی و سازمانی خود را با این جهت گیریها برای حضور در صف مقدم و پیشرو برآمد انقلابی بعدی آماده کنیم. مهمتر

بنا به تناسب قوای نامساعد اقدامات و کارهای مهمی در این شرایط سرکوب شدید رأسا و مستقیماً نمیتواند توسط شبکه رهبران و فعالین در داخل به دست گرفته شود. چنین اقدامات و کارهایی وظیفه ما نیروهای چپ و کمونیست در خارج کشور است. از جمله همه میدانیم سالها است و به ویژه از دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ و به ویژه خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ سرنگونی جمهوری اسلامی خواست اساسی و محوری این خیزشهای اعتراضی گسترده بوده است. آنوقت جنبش سرنگونی به پلاتفرم روشن و انقلابی نیازمند است. چنین پلاتفرم و افقی را ما نیروهای کمونیست باید برجسته تر از همیشه برافرازیم و در صفوف جنبش اعتراضی جابیندازیم. تدوین پلاتفرم سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و برگزاری کنفرانس استکھلم در سال ۲۰۱۸ به این منظور بود. اما به نظرم در ادامه به خوبی پیگیری نشده است و اکنون وظیفه ما جریانات متعهد به آن بیانیه و حاضر در شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست است به درستی این پلاتفرم را در صفوف جنبش سرنگونی جابیندازیم.

بخش دیگر کار ما بیش از پیش برجسته کردن صدای خیزش انقلابی در سطح بین المللی و جلب همبستگی و حمایت بیشتر از جنبش انقلابی است. به علاوه گسترش اعتراضات در خارج کشور علیه جمهوری اسلامی وظیفه مستمر و با قدرتمندتر کرد. جمهوری اسلامی و عواملش را در خارج لازمست در تنگنا قرار داد.

تقابل با پلاتفرم و پروژه ها و تاکتیک و اقدامات اپوزیسیون بورژوازی را ما نیروهای کمونیست در خارج کشور، با هر شیوه و ابتکاری باید در دستور کارداشته باشیم. منزوی کردن اپوزیسیون بورژوازی وظیفه جدی ما است.

در اوضاع مشخص کنونی علیه فضای جنگی و جنگ احتمالی در منطقه هستیم. مصائب و مضرات جنگ احتمالی برای مردم بسیار سنگین خواهد بود. مانع بزرگی در مقابل اعتراضات و خیزش انقلابی مردم خواهد بود. با شفافیت علیه نسل کشی دولت اسرائیل در غزه بوده و هستیم. علیه تروریسم دولتی اسرائیل و همچنین تروریسم اسلامی و جمهوری اسلامی هستیم. علیه گسترش جنگ دولت اسرائیل به لبنان و منطقه و علیه جنگ مستقیم احتمالی بین دولتهای تروریستی اسرائیل و جمهوری اسلامی هستیم. بخشهایی از اپوزیسیون بورژوازی ارتجاعی به جنگ دولت اسرائیل با جمهوری اسلامی امید بسته اند و بخشهایی هم در کنار جمهوری اسلامی و نزدیک به "محور مقاومت اسلامی" هستند، هر دو بخش این جریانات ارتجاعی را باید افشا و منزوی کرد و نهایتاً در صورت وقوع چنین جنگ ویرانگری، نباید اجازه داد بهانه پروپاگاند جمهوری اسلامی و بخشی از ناسیونالیسم ایرانی تحت لوای "دفاع از خاک و میهن" جنبش سرنگونی و اعتراضی لطمه بخورد، برعکس لازمست ما در صف مقدم جنبش سرنگونی برای پایان دادن به حکومت جمهوری اسلامی مجدانه تلاش کنیم. با اتکا به سنت کمونیستی و لنینی علیه "بورژوازی خودی" نباید تردیدی کرد و پشتش را باید به زمین کوبید. با پایان عمر جمهوری اسلامی یک طرف این جنگ و تروریسم در منطقه جارو میشود و آن وقت مستمسکی برای شعله ور نگهداشتن جنگ و تروریسم دولتهای اسرائیل و آمریکا در منطقه باقی نمی ماند. آنوقت محکمتر میتوان دست تروریسم و جنگ طلبی دولت اسرائیل و حامیانش را از سر مردم ایران و منطقه کوتاه کرد. به این شیوه راه پیشروی جنبش انقلابی و سوسیالیستی برای پیروزی

خیزش انقلابی در داخل و ایجاد هماهنگی و همگامی با نیروهای چپ و کمونیست متکی به سیاست و پراتیک انقلابی در کلیت خودش میتواند در راستای شکل گیری رهبری رادیکال و سوسیالیستی نقش اساسی ایفا کند. بر این اساس قطب چپ و کمونیستی باید قالب تنگ اپوزیسیونی را بشکند و در قالب آلترناتیو رادیکال و کمونیستی هدایت گر جنبش انقلابی و اعتراضی که امر فوریش سرنگونی جمهوری اسلامی است قد علم کند.

این بحث در سمینار کلاپ هاوس شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست به تاریخ هشتم سپتامبر ارائه شده است. متن کتبی شده بالا با اندک تدقیق و تغییراتی توسط ارائه کننده بحث به این شکل منتشر میشود.

ایمنی محیط کار، افزایش دستمزدها، اجرای طبقه بندی مشاغل و کوتاه کردن دست زالوهای پیمانکار که شریک جنایت علیه کارگران هستند.

رهبران عملی کارگری، کارگران مبارز! حضور قدرتمند طبقه کارگر در صحنه سیاست همواره از دریچه خواستههای مشروع و سراسری رفاهی و اعتراض به وضع موجود تامین شده است. وقت آنست در رشته های گوناگون با ابتکارات مختلف یک گام جنبش کارگری را بجلو راند و روی خواستههای سراسری و فوری متمرکز شد. افزایش دستمزدها و ایمنی محیط کار دو خواست اساسی سراسری در میان لیستی از خواستههای کارگرانند. در حمایت از کارگران طبس اعتصاب و اعتراض کنید. دولت و کارفرمایان میدانند که مسئولیت مستقیم قتل عام کارگران طبس برعهده آنهاست. لذا وعده "پرداخت دیه"، "پرداخت دستمزدها"، "تامین هزینه تدفین" و غیره میدهند تا اوضاع را آرام کنند. این وعده های پوچ و عزای عمومی، ۵۲ کارگر را زنده نمیکند و دردی از غم بزرگ خانواده های کارگری کم نمیکند. خانواده های جانباختگان معدن به همبستگی گسترده کارگری و مردمی، محاکمه و مجازات فوری عاملین این قتل عام و تامین ایمنی محیطهای کار نیاز دارند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به بخشهای مختلف طبقه کارگر فراخوان میدهد که این فرصت مهم را دریابید، وقت آنست که ابتکار عمل سیاسی را بدست گیرید. با اعتراض و اعتصاب و طرح خواستههای همه شمول و واقعی از جمله افزایش دستمزدها، تامین ایمنی محیط کار، نظارت مستقیم کارگری بر اجرای آن بمیدان بیاییم. امروز دانشجویان تهران این فرزندان کارگران اولین ندای شان را در حمایت از کارگران طبس سر دادند و بدرست گفتند مسئول این قتل عمد سرمایه داران و دولت شان هستند. همه جا در دانشگاه ها و هر گوشه جامعه و هر صف اعتراض در دفاع از کارگران طبس بپاییزید!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۳ مهر ۱۴۰۳ - ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۴

اوضاع سیاسی در پرتو شرایط پر تنش کنونی و وظایف ما...

قطعی هموارتر میشود.

مسئله محوری دیگر اینست نیروهای چپ و کمونیست و قطب چپ و سوسیالیستی متکی به مدیا و امکانات فویتر و اقدامات و ابتکارات و تاکتیکها و سازمانگریهای مهم با قدرت بیشتر در دسترس جامعه باشیم.

به عنوان نتیجه گیری پایانی به نظرم باید به استقبال برآمد انقلابی بعدی برویم. خود جزو نیروی فعاله به میدان کشیدن دوباره خیزش انقلابی فویتر باشیم. در این راستا در وهله اول شکل گیری و ابراز وجود شبکه مبارزاتی رهبران و فعالین کارگری و توده ای، در رأس

اعلامیه حزب حکمتیست - ۲

کارگران سمنان راه را نشان داده اند! اعتصاب تا تحقق استانداردهای ایمنی کار و افزایش دستمزدها

امروز سه شنبه ۳ مهرماه، کارگران معدن طزره در استان سمنان در اعتراض به نداشتن امنیت در محیط کار، دست به اعتصاب زدند. درود بر کارگران معدن طزره! هیچ اقدامی برحق تر از دفاع از جان در محیط ناامن کار نیست. کارفرمایان محیط کار را به قتلگاه کارگران تبدیل کردند و حاضر نیستند مقدار ناچیزی از سودی که کارگر تولید میکند را صرف ایجاد سیستم ایمنی محیط کار کنند. به نظر آنها کارگر هنوز "برده" عهد باستان است و سرمایه داران مفتخور مشتی برده دار که هر طور دلشان بخواهد میتوانند با کارگر و زندگی و خانواده اش رفتار کنند. کارگران سمنان با اعتصاب علیه محیط ناامن کار راه را نشان داده اند.

امروز بخشهای مختلف طبقه کارگر ایران با فقر و دستمزد ناچیز، شرایط سخت کار و قراردادهای موقت، ناامنی شغلی و طیف وسیع پیمانکاران زالو روبروست. محیطهای ناامن کار هر روز و هر ساعت از کارگران به عناوین مختلف قربانی میگردد. تنها در یک دهه در معادن ایران دستکم بیش از ۳۰۰۰ انفجار و ریزش، آسیب دیدگی حدود ۱۳۰۰۰ نفر و کشته شدن ۴۸۰ معدنچی، کارنامه قاتلین سریال مالک معادن و دولت اسلامی شان است.

اظهارات وزیر کار و مقامات مربوطه مبنی بر اینکه "تخلفی صورت نگرفته و انفجار معدن طبس واقعا یک حادثه بوده است"، باندازه کافی گویاست که قرار نیست کاری برای بهبود این اوضاع وخیم صورت گیرد. راه چاره مثل همیشه در دست خود ما کارگران است: در محل ناامن و خطرناک کار نمی کنیم! هیئتهای نمایندگی کارگران باید بر ایمنی محیط کار نظارت داشته باشند! امروز وقت آنست در معادن ایران که وضعیت شان بسیار بدتر از معدن طبس است، دست به اعتصاب سراسری بزنیم. خواستههای سراسری روشن اند؛ تامین

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!



های دیگر" شده اند!

آیا کارگران حین کار اشتباه نمی کنند؟ واقعیت اینست که هر کسی که دو روز مشغول کاری بوده باشد، میدانند که اشتباه و بی‌دقتی در کار رخ میدهد و حتی بطور آمپریک و ساده هم میتواند اشتباهات احتمالی را پیش

بینی کند. ضریب فاکتور "اشتباه و سهو و بی دقتی" در کل پروسه کار و اتفاقات ناگواری که رخ میدهند، تعیین کننده و توضیح دهنده میزان قربانیان دهشتناک محیط کار نیست. کارفرماها این فاکتور و ضریب خطای ناچیز کارگر در کل پروسه کار را برجسته میکنند تا شانه از زیر بار مسئولیت جنایتی که رسماً و قانوناً مرتکب میشوند خالی کنند. حتی "اشتباه کارگر" با تجهیزات ایمنی و آموزش قابل پیشگیری است. فشار کار و استرس ناشی از آن که توسط کارفرما به کارگر تحمیل میشود، به سهم خود امکان "اشتباه" کارگر را بالا میبرد و نمیتوان وقتی "حادثه" رخ داد کارگر را "مقصر" نامید!

ضرورت اعمال نظارت کارگری

تامین ایمنی محیط کار یک از خواستههای قدیمی جنبش کارگری ایران است. میزان گسترده قربانیان محیط کار در ایران بویژه در بخش ساخت و ساز پروژه های صنعتی و مسکن و ساختمان و معادن، بیش از هر زمان خواست تامین ایمنی محیط کار و نظارت کارگران بر آن را ضروری کرده است. روشن است که به محیطهای مخاطره آمیز و ناامن نمیتوان "محیط کار" اطلاق کرد. محیط ناامن کار قتلگاه کارگران است. سود بیشتر انگیزه و نیروی محرکه جنایت کارفرما علیه کارگر است. متقابلاً تلاش کارگر برای برخورداری از محیط کار ایمن، دفاع از موجودیت خویش است. کارگر تن و جانش را به سرمایه فروخته است، کارگر نیروی کارش را در ازای دستمزد به سرمایه دار فروخته و سرمایه دار حق ندارد و نمیتواند بخاطر سود بیشتر با زندگی کارگر و خانواده کارگری بازی کند. جمهوری اسلامی در قانون کار و آئین نامه های بیمه و بهداشت محیط کار و تعریف "حادثه محیط کار" و مسئولیت آن، از جمله با بحث "بیمه و مسئولیت مدنی" و انواع شرکتهای بیمه و بسته های مختلف بیمه، که متناسب با منافع دولت بعنوان بزرگترین کارفرما و دیگر سرمایه داران است، عملاً شرایطی فراهم کرده است که کارفرمایان را از تامین استانداردهای ویژه ایمنی هر محیط کار معین، معاف و یا راه فرار از قبول مسئولیت را برای آنها باز میگذارد. به اینها اگر خیل "کارشناسان" وزارت کار و تامین اجتماعی و غیره را که با رشوه کارفرما گزارش وارونه میدهند را اضافه کنید، دست آخر کارگر قربانی محیط ناامن کار بدهکار هم میشود!

جنبش کارگری برای تامین ایمنی محیط کار باید به پلاتفرمی متکی شود که اعمال نظارت کارگران یک محور اساسی آنست. نکات مربوط به ایمنی کار ضروری است از نظر فنی و عملی توسط کارگران در هر رشته و محیط کار معین بسط داده شود:

۱- برخورداری از یک محیط کار و زیست ایمن حق پایه ای شهروندان است و دولت و نظام موجود موظف به تامین آنست. هر پروژه صنعتی و غیر صنعتی که امنیت و سلامتی و بهداشت شهروندان را عموماً و کارگران در محیط کار

ضرورت اعمال نظارت کارگران بر ایمنی محیط کار

سیاوش دانشور

محیط های ناامن کار در ایران هر روز و هر ساعت فاجعه می آفریند. آخرین فاجعه انفجار معدن زغال سنگ طبس و قتل ۵۱ کارگر معدنچی است که همه شواهد بر عامدانه بودن این قتل عام کارفرمایی گواهی میدهند اما وزیر کار سرمایه داران میگوید؛ "هیچ تخلفی نبوده و فقط یک حادثه بوده است!"

محیطهای ناامن کار قتلگاه کارگران

بنابر آمار سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۲۳، قریب ۳۴۰ میلیون "حادثه" کاری در دنیا رخ داده که منجر به مرگ ۲۰۳ میلیون نفر فقط در سال ۲۰۲۳، بیش از ۳۳۷ میلیون کارگر مصدوم و درگیر حوادث غیرفوتی در محل کار و ۱۶۰ میلیون بیماری شغلی شده است. همین سازمان تاکید دارد که صنعت معدن در جهان یک درصد نیروی کار را به خود اختصاص میدهد اما نرخ "حوادث" مرگبار در معادن ۸ درصد است و بطور متوسط سالانه بیش از ۱۵ هزار نفر معدنچی در محل کار زیر عنوان "حوادث محیط کار" به قتل میرسند. این آمار در قیاس با سالهای گذشته سیر صعودی داشته است. باید اضافه کرد که همین آمارها نیز نادقیق است و با واقعیات فاصله اساسی دارند. این آمارها براساس گزارشهای رسمی جنبش تریدیونیونیستی در کشورهای پیشرفته تر و همینطور آمار آگاهانه تعدیل یافته توسط دولتها و کارفرمایان از میزان قربانیان محیط کار در کشورهای تهیه شده که کارگران از بدیهی ترین حقوق کار محروم اند. کارگر در کشورهایمانند ایران و بنگلادش و ترکیه و هند و چین، که باید ارزان کار کند و از حداقل ایمنی محیط کار برخوردار نیست، بسیار بیشتر قربانی محیط ناامن کار میشود. با اینحال طبق همین آمارهای نادقیق و تحریف شده موجود، در حال حاضر "حوادث ناشی از کار" سومین عامل مرگ و میر در جهان و دومین عامل مرگ و میر در ایران است. جمهوری اسلامی در هر شاخصی ته لیست کشورهای جهان باشد، در اعدام و در قتل در محیط کار و در میزان شکاف طبقاتی رکورددار است!

عنوان "حوادث ناشی از کار" که لیستی از اتفاقات و "اشتباهات کارگر" و مسائل غیر مترقبه را در تعریف خود جای داده است، عنوان مناسبی برای قتل عام مستمر و روزمره ای که در جلوی چشم دنیا از کارگران صورت میگیرد، نیست. این آمار و ارقام از وجود یک جنگ گرم و خونین و بیوقفه سرمایه داران و حکومتهایشان علیه کارگران سخن میگویند. در کدام جنگ و در کدام تروریسم کور سالیانه چند میلیون نفر کشته میشوند؟ کارفرمایان و سرمایه دارانی که با هدف کسب سود بیشتر، هزینه های تولید از جمله دستمزد و بیمه و ایمنی محیط کار و آموزش را کاهش میدهند، آگاهانه و عامدانه با جان و زندگی کارگران بازی میکنند. به عبارت دیگر قاتلین کارگران که به دلیل عدم تامین امکانات ایمنی ضروری در محیط کار که حتی بصورت فرمال قانوناً به آن متعهد شده اند، راست راست در جامعه راه میروند، مورد احترام و جزو "عالیجنابان" شمرده میشوند و کارگرانی که با مسئولیت اینان به قتل رسیده اند، "مقصر" قلمداد میشوند که با "بی دقتی" و "عجله" و "اشتباه" موجب "ضرر" به تولید و توقف موقتی تولید و ایجاد هزینه

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



ایمنی محیط کار را دارند.

۶- در فقدان تامین استانداردهای ایمنی محیط کار، مسئولیت کامل هر حادثه ناگواری برعهده کارفرماست. خانواده های قربانیان باید از بیمه کامل و معیشت

برخوردار شوند، مصدومین باید بتوانند کار و زندگی شان را بعد از مصدومیت ادامه دهند، کارفرما و دولت مستقیماً در قبال هزاران کارگری که هر سال مصدوم و نقص عضو میشوند، مسئول اند.

نظر به شرایط حاکم بر کار و تولید در ایران و افزایش روزافزون تلفات ناشی از محیط های ناامن کار، بیش از هر زمان اعمال نظارت کارگران ضروری است. یک وجه اعمال نظارت کارگری بر امور، تأیید ایمنی محیط کار توسط کمیسیونهای منتخب کارگران است. این یک جبهه مبارزه و کشمکش جاری با کارفرمایان و دولت اسلامی است. اما کارگران نباید منتظر شوند بلکه راساً در مجامع عمومی مراکز کار، گروه های نظارت بر امنیت محیط کار را انتخاب و دست به کار شوند. مادام که نمایندگان ما نگویند سر کار نمی رویم. مادام که شاخصهای امنیت کار تأیید نشده کار تعطیل است. انتخاب کمیسیونهای ایمنی محیط کار و اعمال نظارت آنها برای تقابل با تراژدیهای انسانی است که تحت عنوان "سوانح محیط کار" هر روز خانواده های کارگری را نابود میکند.

۲۷ سپتامبر ۲۰۲۴

ضرورت اعمال نظارت کارگران بر ایمنی محیط کار

سیاوش دانشور

را خصوصاً به مخاطره می اندازد، باید متوقف شود.

۲- برخورداری از یک محیط ایمن کار و مجهز بودن محیطهای کار به استانداردهای ایمنی کار یک حق پایه ای کارگران و یک خواست قدیمی جنبش کارگری در ایران و جهان است.

۳- کارفرمایان حق ندارند به هر دلیلی کارگران را وادار به کار در محیط ناامن کار کنند. قربانی شدن کارگران در محیط کار غیر ایمن باید بعنوان اقدام آگاهانه کارفرمایان به قتل عمد کارگر تلقی شود.

۴- کارگران حق دارند از کار کردن در هر محیط کار ناامن، امتناع کنند و کارفرما نمیتواند تحت فشار و تهدید به اخراج و بهره برداری از صف عظیم بیکاران، کارگر را وادار به تمکین در محیط کار غیر ایمن و خطرناک کند.

۵- تشخیص ایمنی محیط کار در صلاحیت نهادهای منتخب کارگران است. کارفرمایان موظف به تامین سیستم و استانداردهای ایمنی کار بعنوان جزئی از پروسه فنی کار و تولید هستند. تنها کمیته های ویژه ایمنی محیط کار و منتخب کارگران که آموزش کافی برای چک کردن ایمنی و تشخیص مخاطرات را دارند، صلاحیت بررسی و نظارت و تأیید

میزگرد کمونست در باره

فاجعه انفجار معدن زغال سنگ طبس سیاوش دانشور، عبدالله دارابی، سعید آرمان

پیرامون شرایط سخت و خطرناک کار در معادن با دعوت کردن از فعالین صاحب نظر در عرصه کارگری که در خصوص کار در معادن و استانداردهای بین المللی و عدم رعایت این موارد در معادن ایران و دلایل این عدم جدیت که چیزی جز کسب سود هنگفت، نیست. با توجه

به تأثیرات مثبت فعالیتهای خارج کشور بر فعالین داخل ایران این شبهای همبستگی و انتقال تجارب فعالین عرصه های کارگری بویژه معادن. این اقدامات هر فعال سیاسی که مشغله اش ارتقای سطح آگاهی طبقه کارگر و شرایط مبارزاتی کارگران مسئله اش باشد در هر نقطه ای از جهان خارج از تعلقات سیاسی و حزبی به این یا آن حزب و جریان سیاسی میتواند گامی هر چند کوچک به کارگران معدن در وهله اول و به کل جنبش کارگری ایران بردارد. آنچه مشخص است رسانه های جمهوری اسلامی رسانه ای کردن اخبار راجع به آلام طبقه کارگر و خانواده هایشان نه تنها در دستور کار ندارند بلکه زبان حال حاکمان و سرمایه داران هستند.

سخن پایانی من با فعالین حزب و سایر فعالین سیاسی است که



زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

میزگرد کمونیست در باره

فاجعه انفجار معدن زغال سنگ طبسی
سیاوش دانشور، عبدالله دارابی، سعید آرمان

پوچ، این جنایت بزرگ را مشمول مرور زمان کنند.

قتل های محیط کار که باندازه یک جنگ گرم از کارگران قربانی میگیرد، نتیجه امتناع کارفرمایان از تامین سیستم ایمنی محیط کار بدلیل سودجویی است. تامین و تضمین سیستم ایمنی کار مطابق با

استانداردهای جهانی و بهبود مرتب آن، یک خواست قدیمی جنبش کارگری جهان بوده است. جنبش کارگری ایران نیز لازمست از دریچه واقعه تراژیک معدن طبسی، پرچم تامین سیستم ایمنی محیط کار را برافرازد و از جمله نمایندگان مستقل کارگران در هر مرکز کارگری بر امنیت محیط کار نظارت داشته باشند. هر جا محیط کار امنیت ندارد، کارگر نباید سر کار برود و تا تامین ایمنی محل کار اعتصاب تنها راه است. روز چهارم مهرماه، کارگران معدن طزره سمنان بدلیل فقدان ایمنی کار سر کار نرفتند و دست به اعتصاب زدند. این سیاست درست و اصولی است که باید فراگیر شود.

کارگران معدن ایران از جمله معدن زغال سنگ خواستههای متعددی دارند. از جمله خواهان عزل پیمانکاران و تغییر وضعیت شان از پیمانی به قراردادهای رسمی هستند. تامین ایمنی محیط کار، افزایش دستمزدها، علیه واگذاری صندوقهای بازنشستگی، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل از خواستههای کارگران است. بدنبال این فاجعه و تشخیص پتانسیل اعتراض و نارضایتی کارگران، دولتی ها و مدیران وعده سرخرمن میدهند تا خشم کارگران و خانواده های کارگری را کنترل کنند. بطور مشخص، در قبال این فاجعه باید انگشت اتهام را به سوی دولت و کارفرمایان گرفت و خواهان محاکمه و مجازات عاملین قتل عام کارگران شد. کارگران در سطح کشور و در رشته های مختلف با ابتکارات مختلف از جمله اعتصاب و اعتراض از کارگران معدنچی طبسی حمایت و پرچم مشترک "تامین استانداردهای ایمنی محیط کار"، "نظارت کارگران بر ایمنی محیط کار" و "افزایش دستمزدها" را برافرازند. ضروری است مردم ایران در اجتماعات و اعتراضات مختلف با کارگران طبسی همدردی و همراهی کنند و از خواست کارگران حمایت کنند.

کمونیسست: انفجار در معدن طبسی جان ۵۱ کارگر را گرفت. برخلاف دوره های قبل دولت پزشکیان سریع به این مسئله ورود کرد، علت چیست؟ در صورتی که اگر دولت در فکر ایمنی کارگران در محیط کار باشد این فجایع رخ نمیدهد یا بسیار کم میشود.

عبدالله دارابی: ۴۵ سال از قدمت تاریخی "ورود کردنها و دروغ گفتنها"ی پی در پی دولتهای تاقونوی رژیم سرمایه داری حاکم بر جامعه ایران میگذرد و طی اینمدت بیوقفه تلاش کرده اند تا این نوع برخورد و دروغ پردازی را بمثابه یک سیاست تثبیت شده و لایتغیر همچنان باقی بگذارند و چون نظم و مقررات عمومی ضد کارگری آنرا به مردم کارگر و زحمتکش قالب کنند. تمام رئیس جمهورهای تاقونوی رژیم، تلاش کرده اند در برابر رویداد های مهم جامعه ابراز نظر کنند و مثل دایه مهربان تر از مادر به دروغ گویی بپردازند و اصل موضع را آنقدر پیچ و تاب دهند که کارگران و مردم زحمتکش خسته و هراسان شوند تا در پرتو آن خودشان بتوانند راحت تر و کم دردسزتر شانه از زیر بار خطاهای نابخشودنی خود خالی کنند. باید این را دانست که، تکرار این نوع سیاست دروغ گفتن و عدم مسئولیت پذیری حاکمان تاقونوی جمهوری

کمونیسست: انفجار در معدن ایران سابقه دارد. اما اینبار در طبسی یک فاجعه بزرگ رخ داد که طی آن ۵۱ نفر از کارگران جانباختند. علت چیست و چه کسی مسئول است؟ کارگران برای مواجهه با محیط ناامن کار چه میتوانند و باید انجام دهند؟ بطور مشخص در قبال این فاجعه چه باید کرد؟

سیاوش دانشور: روز چهارشنبه ۴ مهرماه، پایان عملیات امداد و نجات معدن معدنجوی طبسی اعلام شد. آخرین پیکرهای کارگران جانباخته که در بلوک "سی" مانده بودند خارج شدند. طبق آخرین گزارشات ۴۹ پیکر از معدن بیرون آورده شد و در مجموع ۱۶ مصدوم از بلوک "بی" منتقل شده بودند که دو نفر از آنها جانشان را از دست دادند و در نهایت تعداد جانباختگان به ۵۱ نفر رسید. هنوز بخشی از مصدومان در موقعیت نامناسب هستند. از نظر تعداد قربانیان، انفجار معدن طبسی بزرگترین فاجعه معدن در ایران است. و این بزرگترین فاجعه در معدنی رخ داده که مقامات دولتی و کارفرمایان میگویند از "بهترین و مجهزترین معدن ایران" بوده است. همین سرخشی به اوضاع ناامن و شدیداً خطرناک دیگر معدن بطور اخص و شرایط پرمخاطره کار در ایران بطور اعم بدست میدهد.

مسئله ساده و روشن است. این رویدادها "حوادث محیط کار" نیست، "قتل عمد کارفرمایی در محیط کار است!" میگویند "حادثه" تا از زیر بار مسئولیت قتل عمد مستقیم دولتی و کارفرمایی شانه خالی کنند. یک قدم بعد، تصور را گردن کارگر میگذارند که موارد ایمنی را رعایت نکرده است! یعنی هم میکشند و نقص عضو میکنند و هم مسئولیت جنایت را بعهده نمی گیرند. البته، حادثه تحت هر شرایطی از جمله در کار همواره ممکن است رخ دهد، در هر چهارچوبی حوادث و تشخیص ضریب خطا عمدتاً قابل پیش بینی اند و وسائل لازم و راه حلهای تشخیص ایمنی و مخاطره وجود دارند که امکان حادثه را بسیار کم می کنند. هر محیط کار طبق تعریف استاندارد از سیستم ایمنی کار، سیستم های شناسایی و اعلام خطر در قبال مخاطرات دارد. مثلاً برای تشخیص تجمع گاز متان از سنسورهای تشخیص گاز و سیستمهای تهویه و خروج گاز استفاده می کنند که معدن طبسی فاقد آن بوده است. یا نجات دهنده های فردی عمدتاً کهنه بودند و کار نمیکردند. فقدان اینها یعنی با جان کارگر بازی کردن و ارتکاب عامدانه جنایت توسط کارفرمایان متفرقه. امری که دقیقاً در معدن طبسی رخ داده است. از روز پنجشنبه بارها در مورد وجود گاز و خطر کارگران هشدار دادند، حتی سرپرست شیفت ها هشدار دادند، اما مسئولین بلوک ها که همان پیمانکاران زالو هستند اصرار داشتند که کارگران سر کار بروند و سر کار فرستادند. تهدید به اخراج از یکسو و تلاش برای استخراج ذغال سنگ میزان مورد نیاز پیمانکار برای تحویل، کارگر را وادار میکند که در محیط ناامن کار که در واقع یک قتلگاه است برود. فاجعه بزرگ معدن طبسی محصول نیاز سرمایه داران به سود بیشتر و لذا بازی کردن با جان کارگران، نشان بی ارزشی جان کارگر و خانواده کارگری در قاموس فرهنگ و ایدئولوژی طبقه سرمایه دار و بورژوازی است. روشن است که مسئول مستقیم این جنایت و قتل عام کارگری، دولت جمهوری اسلامی و کارفرمایان و پیمانکاران هستند. نباید اجازه داد مسئولین با ریختن اشک تمساح برای کارگران و دادن وعده های

میزگرد کمونیت در باره

فاجعه انفجار معدن زغال سنگ طبعی
سیاوش دانشور، عبدالله دارابی، سعید آرمان

خاشاکی ببرد تا بلکه بوسیله آن بتواند چند صباح دیگری را به طول عمر ننگینش بیفزاید.

رژیم جمهوری اسلامی و رئیس جمهورش، قادر نیستند و نمیتوانند بلحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی روند کنونی حاکم بر جامعه را به نفع مردم تغییر دهند. صحبت‌های پزشک‌یان،

چیزی غیر لفاظی کردن نیست. رژیم اش به گل نشسته و هیچ چشم انداز روشنی برای برون رفت از این وضعیت ندارد. چون کارگران و مردم تشنه آزادی در ایران برای سرنگونی تام و تمام این رژیم در کمین نشسته اند و آنرا نمیخواهند.

کمونیت: شما به عنوان دبیر تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست در رابطه با انفجار در معدن طبعی و مرگ کارگران و حمایت از کارگران چه برنامه ای در دستور دارید و چه باید کرد؟

سعید آرمان: آنچه در طبعی اتفاق افتاد یک فاجعه انسانی برای طبقه کارگر ایران بود و نباید به سادگی از کنارش رد شد، امری که سرمیداران ایران و دولتشان می خواهند. آنچه جان بیش از ۵۰ کارگر معدن را گرفت، طوری وانمود میشود که بصورت طبیعی "حادثه ای" است که ربطی به کارفرما و سهل انگاریها و دیدگاه کل بورژوازی مبنی بر بی ارزشی جان کارگران، ندارد! ما بعنوان یک حزب سیاسی جدی که اساسا مشغله اش منفعت کارگر و مردم تهیدست جامعه است، فورا به فکر اقداماتی در رابطه با منعکس نمودن این فاجعه انسانی و رساندنش به گوش طبقه کارگر جهانی و اتحادیه های کارگری، افتادیم. متأسفانه فجایی که در لبنان و غزه اتفاق افتاده و همزمانی این فاجعه انسانی با کشتارهای لبنان که در چند ساعت صدها انسان را به کام مرگ فرو برده، تاثیر منفی بر انعکاس آنچه در معدن زغال سنگ طبعی بر کارگران و خانواده‌هایشان آمده گذاشته است و مضافا به این اوضاع نشست سالانی سازمان "ملل" ترجیحا سازمان دولتهای قلدر جهانی، نیز تاثیر منفی گذاشته و مشغله بزرگترین فاجعه معادن در جهان به راحتی به زیر اخبار و رسانه های خواهد رفت.

ابتدا با احزاب چپ و سازمانها و نهادهای دوست و همفکر در کشورهای مختلف اروپایی از طریق مسئولین تشکیلاتی در محل تماس گرفته شده و نامه ای خطاب به افکار عمومی و اتحادیه های کارگری نوشتیم و به سازمانها و اتحادیه ها ارسال شده و در دنیای مجازی اطلاع رسانی شده است تا آستینها را بالا بزنیم و علیه محیط ناامن کار، دولت جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهیم تا پایبند باشند به استانداردهای بین المللی و برسمیت شناخته شده در سطح جهان به منظور ایمنی محیط کار.

جنبه دیگر از اقدامات ما تلاش برای سازمان دادن شبهای همبستگی به منظور عدم فراموشی این فاجعه انسانی، گفت و گو



اسلامی برای خاص و عام در ایران و جهان شناخته شده است و کسی غیر خودیهای رژیم، به آن باور ندارد. اگر کسی یا کسانی به فرمایشات زود هنگام پزشک‌یان، رئیس جمهور منتخب علی خامنه ای گپیج یا متوهم شده باشند، حتما از آخور و توبره رژیم سهمی نصیب شان شده و به خاطر منافع حقیر خود حاضر نیستند واقعیات موجود در جامعه ایران را ببینند و به آن اذعان کنند.

اما چرا پزشک‌یان گمارده شده خامنه ای، سریعتر از همپالکی های اسبق خود در رابطه با فاجعه کم نظیر کارگران معدن طبعی، زودتر اظهار نظر کرده، نکته جدید تری است که در زیر بسیار کوتاه به آن خواهیم پرداخت.

در درجه اول این را باید تأکید کرد که اظهار نظر کردن سریع و کند رئیس جمهورهای تانکونی رژیم بخودی خود قاعده ماهوی و اساسی نظام را تغییر نمیدهد. چون اساس و بنیان رژیم، همچنان رو قاعده ای سوار است که خمینی، ۴۵ سال قبل برای رژیم اش تنظیم و تدوین کرده است. من طی این زمان تا به امروز از هیچیک از سران اصلی رژیم، نشنیده ام و نخوانده ام که "فرمایشات گهربار خمینی" و "اقتصاد زیربنای الاغ است" را، زیر سؤال ببرد تا به استناد به آن امروز بتوان خیز برداشتن سریع را باور کرد. پزشک‌یان هم تا به امروز لام تا کام در این زمینه زبان نگشوده است. در نتیجه، سریع ورود کردن پزشک‌یان در این زمینه را نباید توهم را تعبیر کرد و آنرا به عنوان نکته ای مثبت برای آن به حساب آورد. چون خود پزشک‌یان بخاطر ایجاد تغییر مثبت در زندگی کارگران گمارده نشده است. وظیفه او چیزی غیر از توهم پردازی در جامعه برای بقای طول عمر رژیم اسلامی نیست و نخواهد بود، در نتیجه، واقعی نیست ورود سریع او را به عنوان تغییر مثبت بنیادی محل کار کارگران در معادن زغال سنگ ایران معنا و تفسیر کرد! چون پاشنه سیاست حاکمیت کردن در ایران امروز، همچنان رو سیاستی میچرخد که خمینی و خامنه ای پرچمدارش هستند نه چیزی دیگر. پزشک‌یان، خود بارها اعلام کرده است که "سرباز جانباز خامنه ای است و اگر او نبود، پزشک‌یان، سر از صندوق مضحکه انتخابات در نمی آورد و رئیس جمهور نمیشد".

ولی در عالم واقع آنچه خامنه ای و پزشک‌یان را در این زمینه به حرف زدن واداشته است، چیزی نیست غیر از مبارزات انقلابی بیوقفه کارگران، زنان و مردم آزادیخواه ایران علیه کل موجودیت این رژیم که روز بروز گسترده تر و عمیق تر میشود. ایجاد این تغییر و تحول غیرقابل انکار در صحنه سیاست ایران، رژیم را چنان وحشت زده کرده که برای بقای خود ناچار شده دست به هر خس و

به حزب حکمتیست کمک مالی کنید!

زنده باد برابری زن و مرد!

جان کنده‌اند و ثروت افریده‌اند و بخش جدایی ناپذیر طبقه کارگر ایران هستند. اما کماکان به عنوان "اتباع بیگانه" تلقی می‌شوند و از هیچ حق شهروندی بهرمنند نیستند.

حمله به منازل پناهجویان در یزد در پی قتل دختری در این شهر، تیر اندازی به خودرو حامل پناهجویان افغانستانی ده‌ها و صدها مورد دیگر سخت در اذهان هزاران پناهجوی افغانستانی حک شده و نفرت را در آنان بازتولید میکند و رژیم بانی و منشا این نفرت پراکنی است.

پناهجویان افغانستانی هموعان ما و فراریان از دست حکومت‌های جنایتکار هستند که خواهان زندگی و کار در محیطی امن و آرام هستند. ما مردم ایران مطلقاً نباید در دام رژیم اسلامی طالبانهای تهران بیافتیم و صورت مسئله را در برخورد به افغانستانی‌های مقیم ایران از آنان بپذیریم.

ناسیونالیسم ایرانی برای توجیه برخورد ضد انسانی خود به افغانستانی‌ها آنان را بی فرهنگ و عقب مانده و مضر بحال جامعه معرفی میکند. این ادعایی بی اساس است. آنها همان سیاستی را دنبال میکنند که رژیم جمهوری اسلامی و طالبان در افغانستان و دول و گروه‌های نژادپرست غربی بر علیه پناهندگان دارند.

لازم است صحبتی با پناهجویان افغانستانی مقیم ایران داشته باشیم. درد و آلام شما را با تمام وجود درک میکنیم، دردی همچون عدم فروش نان، باز نکردن حساب بانکی، عدم اشتغال و یا محرومیت از تردد و زندگی در بالغ بر ۱۶ استان ایران و محروم شدن از مدرسه فرزندان همه و همه میتواند نفرت عمومی نسبت به دولت و شهروندان این جامعه را ایجاد کند. نفرت از حکومت اسلامی آری اما نفرت از مردم ایران محق نیست. شما میتوانی بعنوان بخشی از این جامعه همسرنشینی خود را در همسویی با جنبش مردم ایران علیه طبقه انگل و جنایتکار حاکم گره بزنید. کم نبودند افغانستانی‌هایی که در خیزش انقلابی ۱۴۰۱ حضور داشتند و بخشا جان باختند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست از همه انسانهاست آزادیخواه و مدافع حقوق و کرامت انسانی بویژه پناهندگان افغانستانی میخواهد با تمام توان در مقابل سیاست ضد یشری رژیم جمهوری اسلامی ایستادگی کنند.

همه آحاد جامعه جدا از تفاوت‌های ملی و زبانی و مذهبی، بایستی یکسان از امکانات آموزشی، بهداشت و درمان و آموزش و تردد بهره مند باشند.

سرنگون باد نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

25 سپتامبر 2024 - چهارم شهریور 1403

امضاها:

اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست،

سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت)

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست:

به جنگ نژادپرستانه علیه افغانستانی‌های

مقیم ایران پایان دهید!

بیش از چهار دهه افغانستان کانون جنگ و نا آرامی است و شهروندان یک روز بدون جنگ و خونریزی را تجربه نکرده‌اند. چهار دهه‌ای که میلیون‌ها افغانستانی از ترس کشتار در جنگ‌های داخلی مجاهدین و طالبان و غیره تا قحطی و گرسنگی و بیکاری و بلایای طبیعی همچون زلزله و سیلاب ناچار به فرار از این کشور شده و در کشورهای اطراف تا اروپا و آمریکا و استرالیا اسکان گزیده‌اند. بیشترین آنها به دلیل کم هزینه بودن سفر و کوتاهی مسیر و ریسک کمتر به دو کشور همسایه پاکستان و ایران پناه برده‌اند. جمعی برای رسیدن به اروپا و سایر کشورهای پیشرفته و پناهنده پذیر مسیری‌های پر مخاطره را انتخاب و بعضاً بسیاری از آنان در دریاها غرق شدند و هرگز به مقصد نرسیدند.

در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی بر خلاف ادعای رسانه‌ها و رهبران نظام که می‌گویند پناهجویان افغانستانی مشمول "رافت" اسلامی قرار گرفته‌اند، این "رافت" جز تحقیر و بی حقوقی و تبعیض آشکار چیز دیگری نبوده. هزاران نمونه از برخوردهای وحشیانه و ضد انسانی و نژادپرستانه حکومت اسلامی و مجریانش در اقصی نقاط ایران و همچنین در کمال ناسف بخشی از جامعه ایران نسبت به این مردمان نگون بخت وجود داشته است.

محرومیت اتباع افغانستانی مقیم ایران از تحصیلات عالی، محرومیت فرزندان حاصل ازدواج زنان ایرانی و همسران افغانستانی از شناسنامه بویژه اگر زنان ایرانی با مردان افغانستانی تشکیل خانواده بدهند، نداشتن شماره حساب و یا لغو اعتبار حسابهای بانکی، بازداشت‌های فله‌ای و مجازات جمعی نمونه‌ای از این مجازات است. چند سال قبل در استان فارس در محوطه‌ای با قفس آهنی و نمایش دادن آنها از سوی نیروی انتظامی و دیگر اقدامات تحقیرآمیز در ملا عام از جمله اعمال شدید و مشمنز کننده هستند که سالهاست در دنیای مجازی جاری شده است.

تازمترین یورش دادستانی یک شهر بعنوان دستور العمل به ناوایی‌ها "ممنوعیت فروش نان به اتباع" که اساس افغانستانی‌ها مد نظر است ضدیت با انسان را در اوج خود بنمایش گذاشته و تداعی کننده برخورد نازیهای آلمان به یهودیان در ایام جنگ جهانی دوم است. "رافت اسلامی" رژیم به پناهجویان افغانستانی اجازه نمیدهد که در ۱۶ استان کشور تردد و یا اسکان گزینند و به کار مشغول شوند. اضافه شدن تازمترین استان به ممنوعه‌ها استان کرمانشاه است.

کشتار پناهجویان افغانستانی در مرزهای مابین ایران و افغانستان به فجیع ترین شیوه‌های ممکن و در اوج خونسردی توسط نیروهای انتظامی، اعدام تبعه افغانستانی بدون اینکه لزومی به اثبات جرم باشد همه و همه در زیر سایه تبلیغات ضد انسانی افغانستانی ستیزی و معرفی آنان بعنوان بانیان جرم و جنایت و بیکاری بمنظور توجیه هر گونه بیعدالتی در حق این انسانهای بی پناه، دیوار کوتاهتر از دیوار افغانستانی‌ها گیر نیآورده‌اند.

افغانستانی‌های مقیم ایران بیش از چهار دهه کار و زحمت در مزارع و دامداریها تا ساختمان سازی همدوش با کارگران ایران

Support Iranian workers in their struggles for safer working conditions!

Miners of Tabas needs our solidarity!

I am writing this appeal letter today to inform you that a huge explosion occurred at Tabas coal mine located in Eastern Iran on Sunday, September 22. It was caused by a sudden, large leak of methane gas in the mine. The explosion killed 52 and injured 20 workers. Rescuers have not yet been able to remove the bodies of 15 dead workers from the depth of 700 meters (2334 feet).

Iran's workers, especially mine workers, have to work under extremely unsafe conditions lacking minimum safety standards. Workplaces in Iran are, for all practical purposes, killing grounds, and the so-called "workplace accidents" are, in essence, acts of murder by the employers and their brutally oppressive regime.

Iranian workers demand the provision of standard safety measures and equipment in the workplace, the right of workers' representatives to independently monitor work safety, the identification, trial and punishment of the perpetrators of the recent human tragedy, and sufficient financial support for workers' families who lost their breadwinners in this disaster. Iranian workers need the widest international solidarity that will enable them to protest against their dangerously unsafe work conditions as well as to achieve their other urgent, legitimate demands.

We, at the Worker-communist Party of Iran – Hekmatist, therefore, respectfully request you, our fellow class members and comrades, to protest against the regime of Islamic Republic in Iran and defend the demands of Iranian workers in any way you deem appropriate.

Solidarity

Saeed Arman

On behalf of Worker-communist Party of Iran - Hekmatist, Abroad Committee

نامه به اتحادیه های کارگری در خارج کشور

علیه ناامنی محیط کار از کارگران ایران حمایت کنید!

با احترام با اطلاع میرسانم که روز یکشنبه ۲۲ سپتامبر، بر اثر تجمع زیاد گاز متان، انفجار عظیمی در معدن زغال سنگ طیس واقع در خراسان جنوبی رخ داد که طی آن ۵۲ کارگر معدن جان باختند و ۲۰ کارگر زخمی شدند. هنوز امدادگران نتوانسته اند پیکر ۱۵ نفر از کارگران جانباخته را از عمق ۷۰۰ متری معدن خارج کنند.

کارگران ایران و بویژه کارگران معادن ایران در محیط بشدت ناامن کار و فاقد حداقل استانداردهای ایمنی محیط کار ناچار به کار هستند. محیط های کار در ایران یک قتلگاه است و آنچه "حوادث محیط کار" نام میگیرد، عملاً یک قتل عمد دولتی و کارفرمایی است.

کارگران ایران خواهان تامین سیستم استاندارد ایمنی در محیطهای کار، حق نظارت مستقل نمایندگان کارگران بر ایمنی کار، مجازات و محاکمه عاملان این تراژدی بزرگ انسانی، تامین هزینه زندگی خانواده های کارگری که در این فاجعه نان آورشان را از دست داده اند، هستند. کارگران ایران خواهان اعتراض علیه این وضعیت و همبستگی وسیع کارگری در دفاع از خواستههای برحق جنبش کارگری ایران هستند.

از شما هم طبقه ای ها و رفقا تقاضا داریم به هر شیوه ای که لازم میدانید و میتوانید به جمهوری اسلامی اعتراض کنید و از خواستههای کارگران ایران دفاع کنید.

با احترام،

سعید آرمان دبیر تشکیلات خارج حزب حکمتیست

۲۴ اکتبر ۲۰۲

24September.2024

امار دولتی قیمت مواد ضروری زندگی

تومان/کیلو	تومان/کیلو	تومان/کیلو	تومان/کیلو	تومان/کیلو	تومان/کیلو
↑ ۸۶۹٪	تخم مرغ (ماشینی)	قیمت قبلی: ۶,۴۱۹ قیمت امسال: ۶۲,۲۰۳	↑ ۱۰۳۷٪	برنج (ایرانی)	قیمت قبلی: ۱۲,۵۸۳ قیمت امسال: ۱۱۴,۳۸۰
↑ ۱۰۶۴٪	روغن (مایع)	قیمت قبلی: ۵,۴۴۹ قیمت فعلی: ۶۳,۱۱۴	↑ ۱۵۴۰٪	مرغ	قیمت قبلی: ۷,۳۶۲ قیمت امسال: ۸۳,۷۰۹
↑ ۱۱۰۸٪	قند	قیمت قبلی: ۴,۰۰۰ قیمت امسال: ۴۸,۳۲۲	↑ ۱۴۸۹٪	گوشت (گوسفند)	قیمت قبلی: ۳۶,۰۹۹ قیمت امسال: ۵۹۲,۱۷۶
↑ ۱۰۹۳٪	شکر	قیمت قبلی: ۴,۰۰۰ قیمت امسال: ۴۸,۳۲۲	↑ ۱۱۳۲٪	گوشت (گاو/گوساله)	قیمت قبلی: ۳۴,۴۵۸ قیمت امسال: ۵۴۷,۴۱۸
↑ ۱۱۱۱٪	چای خارجی	قیمت قبلی: ۴,۰۰۰ قیمت امسال: ۴۸,۳۲۲	↑ ۱۰۹۹٪	شیر پاستوریزه	قیمت قبلی: ۲,۶۶۸ قیمت امسال: ۳۲,۸۷۶

افزایش قیمت اقلام خوراکی طی شش سال
قیمت های قبلی در فروردین ۱۳۹۶
قیمت های امسال در فروردین ۱۴۰۳

درصد تقریبی افزایش قیمت در این دوره

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!

اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظی: هیئت تحریریه

فاجعه بزرگ معدن طیس، ۵۱ کارگر جانباختند

شنبه ۳۱ شهریور، حدود ساعت ۲۱ شب به وقت محلی یکی از تونل‌های معدن زغال سنگ شرکت معدن‌جو در طیس در استان خراسان جنوبی به دلیل تصاعد گاز متان منفجر شد. در این فاجعه ۵۱ کارگر بر اثر انفجار جان خود را از دست دادند. معدنی که ۱۰ درصد زغال سنگ کشور را تولید می‌کند. اما حتی با این حال کارگران آن از حداقل استانداردهای ایمنی و معیشت در محیط کار برخوردار نیستند. مدیرعامل فعلی این معدن، هفت سال پیش در جریان فاجعه معدن یورت، معدن طیس را تنها معدن کشور با سطح عملیاتی بالا معرفی کرده بود! تصاویر اجساد کارگران کشته شده در معدن طیس نشان می‌دهد آن‌ها حتی لباس مناسب نداشتند. پدر محمدجواد قاسمی معدنچی جان باخته در فاجعه معدن طیس می‌گوید که پسرش به مسئولین معدن هشدار داده بود که بلوک C معدن طیس گاز دارد اما نه با پسرش و بقیه کارگرها می‌گویند یا در اینجا با همین شرایط کار کنید یا فرم تسویه حساب را پر کنید. و کارگران برای نان جان عزیزشان را دادند!

تجمع اعتراضی کارگران شرکت ذوب و احیای روی

روز پنجشنبه ۲۹ شهریور کارگران شرکت ذوب و احیای روی قشم در محل کار تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواهان توجه مسئولان این شرکت به معیشت و سلامت محیط کارشان شدند. شرکت ذوب و احیای روی قشم با تولید شمش روی، محصولات جانبی و اسید سولفوریک منطبق در جاده درگهان به لافت قرار دارد. خواسته‌های کارگران عبارتند از: پایین بودن دستمزدها نسبت به تمامی مجتمع‌های اطراف، وضعیت غذا و وسایل بهداشتی نامناسب، عدم پرداخت بدی آب و هوا و شرایط سخت محیط، عدم اجرای طرح طبقه بندی حقوق، عدم وجود نیروی hse در کارخانه، عدم بیمه کردن پرسنل روزمزد به مدت یک سال که مشغول به کار می‌باشند، عدم پرداخت هزینه استحقاقی مرخصی، عدم وجود نیروی کافی و فشار آوردن بیش از حد به پرسنل شاغل، عدم دادن سید معیشتی کارگر، عدم پرداخت به موقع بیمه پایه و تکمیلی، عدم پیگیری شرایط سخت و زیان آور پرسنل با توجه به اسیدی بودن محیط، عدم بررسی و رفع عیب عناوین شغلی کارگران و عدم دادن نامه کسر از حقوق و گواهی اشتغال به کار پرسنل.

طرقرود نطنز

مردم در شهرستان طرقرود نطنز اصفهان در اعتراض به فعالیت "غیراصولی" معادن سنگ در این شهرستان تجمع و راهپیمایی اعتراضی برگزار کردند. از روز پنجشنبه ۲۹ شهریور، مردم معترض طرقرود پس از هفت روز تحصن در اعتراض به فعالیت تخریبی معادن و بی‌اعتنایی محض مسئولین ذریبط، تصمیم گرفتند حرکت جدیدی را آغاز کنند. تریلر حامل سنگ از معدن کمجان که در حال عبور از طرقرود بود برگردانده شد.

هفتمین هفته از سه شبه‌های اعتراضی کارگران ارکان ثالث

سه‌شنبه ۲۷ شهریور، کارگران ارکان ثالث و پشتیبانی شرکت‌های

پیمانکاری پالایشگاه‌های پنجم، ششم، هشتم، نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم مجتمع گاز پارس جنوبی برای هفتمین هفته متوالی تجمع کرده و پیگیر خواسته‌هایشان شدند. در این روز کارگران در پالایشگاه گاز پارسیان لامرد از استان فارس نیز به این حرکت اعتراضی پیوستند. کارگران ارکان ثالث اعلام کرده‌اند که در طول هفته نیز در اعتراض به تاخیرات در پرداخت‌های مزدی، اجبار به کار سخت در هوای گرم و شرایط نایمن و کمبودهای رفاهی که توسط کارفرما و پیمانکاران به آنها تحمیل می‌شود و برخورد‌های امنیتی حراست دست به اعتراض می‌زنند. خواسته‌های کارگران مجتمع گاز پارس جنوبی عبارتند از: حق تشکل، تجمع و اعتراض، حذف کامل شرکت‌های پیمانکاری. بازگشت به کار فوری و بی‌قید و شرط کارگران اخراجی، حجت رضایی از پارس جنوبی، یاسر احمدی نژاد و هرمزی از ملی حفاری و پایان دادن به برخورد امنیتی با کارگران معترض. عمل به توافقات قبلی علی‌الخصوص موضوع مرخصی استحقاقی و پرداخت حق کمپ (هزینه قطع امکانات رفاهی) که به صورت یکجانبه توسط برخی از مسئولان مجتمع گاز تغییراتی در آن صورت گرفته است. اجرای صحیح طرح طبقه بندی مشاغل و نظام پرداخت عادلانه و هم‌تراز با کارگران رسمی و قراردادی پیرو توافقات قبلی با وزارت نفت. رسیدگی فوری به تخلفات و زد و بند بیمه البرز. (با وجود چند ماه قرارداد بیمه البرز با وزارت نفت، پیمانکاران حق بیمه تکمیلی را از مزد کارگران کسر می‌کنند اما بیمه هزینه‌های درمانی را پرداخت نمی‌کنند). اجرای طرح طبقه بندی مشاغل برای رانندگان غیرمالک خودروهای استیجاری، ساماندهی تردد و ایجاد امنیت شغلی برای آنان. اجرای بدون تبعیض تردد ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت برای کارگران اداری و پشتیبانی.

مرگ و مصدومیت ۵ کارگر

در سایه فقدان ایمنی محیط و شرایط نامناسب کار، پنج کارگر از جمله دو آتش‌نشان در تهران، کاشمر و مشهد دچار حادثه شدند. طی این حوادث، دو کارگر جان خود را از دست داده و سه کارگر دیگر مصدوم شدند.

هجوم حجاب بان‌های استخدامی به دانشگاه

همزمان با بازگشایی مراکز آموزشی، حراست دانشگاه تهران با استخدام این عوامل ضد زن وظیفه دارند مانع ورود زنان و دختران دانشجوی بی حجاب به دانشگاه تهران شوند. این تنها وظیفه این حجاب بانان استخدام شده نیست، برخوردهای تحقیرآمیز با توهین و بی‌احترامی به زنان و دختران دانشجویان از دیگر وظایف آنان است. دانشجویانی که از طرف حجاب بانان متوقف شده و مورد توهین و تحقیر قرار می‌گیرند در معرض خطر اخراج هم قرار خواهند گرفت.

تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی کرمانشاه

یک‌شنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۳، جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی کرمانشاه مجدداً و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان مقابل سازمان تأمین اجتماعی دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی در خوزستان

روز چهارشنبه جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی مقابل درب کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز و شهرستان‌های باوی، سوسنگرد، حمیدیه و کارون تجمع کردند. این تجمع با خواست حذف "بیمه‌های تکمیلی آتیه‌سازان" و حضور در جلسه

میکنند. این درحالیست که در همه صنایع نفتی این بخش از کارگران تمام هزینه های رفت و برگشت به خانه و تایید سلامت پزشکی و عدم اعتیاد را هم باید از جیب خود پرداخت کنند و به آنها مزد ناچیزی آنهم با کلی کسورات و تاخیر پرداخت شود.

اعتراض دختران دانش آموز افغانستانی در شیراز
روز اول مهر در شیراز، شماری از دختران دانش آموز افغانستانی با شعار "تحصیل حق ماست"، در رابطه با عدم ثبت نام در شروع سال تحصیلی و بازماندن از روند معمول بازگشایی مدارس دست به اعتراض زدند. علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش روز ۲۰ شهریور از ابلاغ دستورالعمل ثبت نام "اتباع و مهاجران خارجی" در مدارس ایران خبر داده بود.

نامه شریفه محمدی فعال کارگری از زندان

در باره جانباختن کارگران معدن زغال سنگ طبس

آه و افسوس که لبخند و شادی در اولین روز مهر بر لبان زنان و کودکانشان خشکیده شد!

تسلیت از پشت میله های زندان به خانواده های این عزیزان و تسلیت به هم طبقه ای هایم که این روزها شرایط سخت زندگی و معیشت بر دوششان سنگینی می کند!

آیدین عزیزم! پسر نازنینم!

تو هم مهر امسال را با بی مهری آغاز کردی. حتی اگر در کنارت بودم و بهترین لباسها را برایت تهیه میکردم و به بهترین مدرسه روانه ات می کردم؛ اما شادی واقعی برایم روزی است که هیچ کودکی به خاطر فقر و نداری از شادی و تحصیل و از حق زندگی کردن محروم نباشد و هیچ پدر و مادری با نگرانی که آیا فرزند و یا همسرش بعد از یک روز کاری، زنده از محل کار باز خواهد گشت یا نه، روزش را سپری نکند.

و من آن روز را انتظار می کشم!

شریفه محمدی

بند تشخیص زندان لاکان رشت"

انتشار: کمپین دفاع از شریفه محمدی

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیف: هیئت تحریریه

و اعتراض به مدیریت کانون بازنشستگان در عدم پیگیری و اجرای ماده ۵۴ تامین اجتماعی مبنی بر "الزام درمان رایگان" و مواد ۹۶ و ۱۱۱ تامین اجتماعی، صورت گرفت.

تجمع اعتراضی گسترده پرستاران علوم پزشکی یزد
پرستاران علوم پزشکی در مقابل دانشگاه علوم پزشکی در اعتراض به عدم دریافت مطالبات، خواست اصلاح تعرفه پرستاری، اجرای صحیح قانون مشاغل سخت و زیان آور، اجرای اضافه کاری اختیاری و حق مسکن دست به تجمع و اعتراض زدند.

اعتصاب کارگران معدن طزره در استان سمنان
کارگران زغال سنگ معدن طزره در اعتراض به نداشتن امنیت محیط کار دست به اعتصاب زدند و در محوطه معدن تجمع کردند. این اعتصاب بعد از فاجعه معدن طبس شکل گرفت. در شهریور ماه سال گذشته بعثت ریزش معدن در طزره شش کارگر جان خود را از دست دادند.

تجمعات اعتراضی کارگران ارکان ثالث پارس جنوبی
سوم مهرماه، در هشتمین هفته از تجمعات اعتراضی کارگران ارکان ثالث در پالایشگاههای گاز پارس جنوبی، کارگران با در دست داشتن بنر، همدردی خود را با کارگران حادثه دیده و خانواده های کارگران جانباخته معدن جوی طبس ابراز کردند. کارگران خواسته های خود را مجددا اعلام کردند.

نهمین روز اعتراض کارگران مخازن پتروشیمی ماهشهر
سوم مهرماه، کارگران در شرکت پایانه ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر برای نهمین روز متوالی دست به تجمع زدند و مطالبات خود را پیگیری شدند. مطالبات فوری این کارگران عبارتند از: تبدیل وضعیت کارکنان مطابق با شرکتهای همجوار، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل پرسنل پیمانکاری، پرداخت پتروکارت، کسر نکردن مبالغ پاداش های بهره وری، رفع مشکلات مکرر در پرداخت به موقع حق بیمه اجتماعی، پرداخت اضافه کار ماه رمضان ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳، اجرای مصوبات صورتجلسه مورخ ۱۴۰۱/۹/۱۵، تحویل البسه و عینک طبق قرارداد شرکت پیمانکاری بیسکو.

اعتصاب کارگران روزمزد (اورهالی) در پالایشگاه سوم پارس جنوبی
طبق گزارش منتشر شده کارگران در روز چهارشنبه ۲۱ شهریور در اعتراض به وضع بسیار بد کاری از جمله محل استراحت، وضعیت بسیار نامناسب غذایی و قطع دستمزد سه روز دست به اعتصاب زدند. کارگران روزمزد در این پالایشگاه برای دوره اورهال (تعمیرات اساسی صنایع نفت، گاز و پتروشیمی) به کار گرفته میشوند و بصورت تعیین مزد مستقیم توسط کارفرما در هر واحد صنعتی استخدام و دوره اشتغال آنها با پایان اورهال در مدت زمان کمتر از ۲۰ روز تا یک ماه و یا کمتر به انتها می رسد. کارگران هر ساله برای انجام کارهای تعمیراتی بصورت روزمزدی به این پالایشگاه می آیند و همگی تحصیل کرده و بیشتر آنها دارای مدرک لیسانس و یا بالاتر هستند و با وجود مهارت و تخصصی که طی سالها کار در اورهال صنایع نفت کسب کرده اند، هر ساله در فصل گرمای تابستان برای اشتغال به کار به مراکز نفتی میروند و در سخت ترین شرایط کار

ستون آخر،

نامه شریفه محمدی فعال
کارگری از زنداندر باره جانباختن کارگران
معدن زغال سنگ طبس

انتشار: کمپین دفاع از شریفه محمدی

”پاییز دیگری از راه رسید و من همچنان در بند هستم“

مهر فرا رسید اما با بی مهری هایش!

رفیق نازنینم! همراه همیشگیم در روزهای سخت! اول مهر کنارت نیستم تا تولدت را تبریک بگویم؛ دوم مهر کنارت نیستم تا سالروز ازدواجمان را جشن بگیریم.

آیدین عزیزم! پسر نازنینم! ببخشید از اینکه در روز اول مهر و سال تحصیلی جدید در مقطعی بالاتر در کنارت نبودم تا به روال همیشگی، موهای زیبایت را شانه کنم و روانه مدرسه ات نمایم و تو با شیرین زبانی بگویی: ممنون مامان، روز خوبی داشته باشی... روز خوبی داشته باشی... روز خوبی داشته باشی...

همنوردان نازنینم! در کنارتان نیستم تا همراه و همگام در مسیر درفک زیبا و پرغرور، همصدا بخوانیم:

همراه شو عزیز؛ تنها نمان به درد

کین درد مشترک، هرگز جدا جدا درمان نمی شود..

تا گرمی بدریم یاد و خاطره ی معلمان عشق و



ایثار را.

عزیزانم! می دانم که این روزها سپری خواهد شد و ما باز هم کنار یکدیگر سرود زندگی سر خواهیم داد. اما بی مهری پاییز و ماه مهر برای ما تمامی ندارد.

ساعت ۱۲ شب است و ساعاتی از خاموشی بند گذشته است و من خواب به چشمانم نمی رود.

بی اختیار گریه می کنم اما نه برای دلتنگی آیدین و نه برای حکمی که دارم و نه برای اینکه در کنار فرزندم نیستم تا او را روانه ی مدرسه جدید نمایم.

چگونه شب را سپری خواهند کرد کودکان و مادران و زنانی که عزیزانشان زیر خروارها خاک مدفون شده اند؟

کودکان چگونه اول مهر روانه مدرسه خواهند شد در حالی که پدرانشان را از دست داده اند؟

امروز خبر مرگ ۵۱ نفر از کارگران معدن در طبس لرزه بر جانم انداخت؛ فاجعه ای دیگر!!

کارگران معدن برای لقمه ای نان، حاضر به انجام سخت ترین کارها در بدترین و ناپایدارترین شرایط هستند تا شاید برای زنده ماندن خود و خانواده، مزدی ناچیز دریافت نمایند.

تصور میکنم چشمان منتظر کودکان را که پدرانشان از سر کار برگردند...

صفحه ۱۴

آدرسهای تماس با حزب کمونیت
کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر اجرایی

سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

ملکه عزتی

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

saeed_arman2002@yahoo.co.uk

نشریه حزب کمونیت کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

هیئت تحریریه: سیاوش دانشور، رحمان حسین زاده، ملکه عزتی، پروین کابلی، ناصر مرادی، هلاله طاهری، سیوان کریمی

اگر برای کمونیت مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیت هفتگی تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مهلت دریافت مطلب برای انتشار تا عصر روز چهارشنبه و حداکثر تا ظهر روز پنجشنبه است.

هفتگی کمونیت

حزب کمونیت کارگری ایران - حکمتیست

@hekmatis

Hekmatist.org

@hekmatis1917

@hekmatis pary

PARTOW TV

@patowtv

Thepartow TV

@PartowTV

@PartowTV

حزب حکمتیست در صفحات
اجتماعی

زنده باد سوسیالیسم!